

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

[www.afgazad.com](http://www.afgazad.com)

[afgazad@gmail.com](mailto:afgazad@gmail.com)

Political

سیاسی

بیکار پامیر  
۲۹.۱۲.۰۸

## نقش پاکستان در تراژیدی خونین افغانستان جلد دوم

به ادامه گذشته

فصل دوم

و اما ، طالبان در کابل چه کردند !؟

نخستین اقدام عملی و عاجل مهاجمان طالبی به کابل عبارت بود از قتل فجیع و بدون محاکمه داکتر نجیب الله و برادرش ( احمدزی ) که تا آنروز در دفتر سازمان ملل در کابل به سر میبردند. داکتر نجیب الله آخرین حاکم مستبد رژیم کودتای ثور و اداره کننده اصلی دستگاه استخبارات ( خاد ) در ماه اپریل سال ۱۹۹۲ میلادی در نتیجه اختلافات درون حزبی ، فشار مقاومت ملی و عصیان جنرال عبدالرشید دوستم رهبر ملیشه های " جنبش ملی - اسلامی " ، حینیکه از فرارش در میدان هوایی کابل توسط ملیشه های " دوستم " ممانعت به عمل آمد ، به دفتر سازمان ملل پناهنده شد و تا روزیکه به قتل رسید ، در همان دفتر زنده گی میکرد .

جریان چنین واقع شد که یک گروپ خاص و مسلح " طالبان " حین ورود به کابل ، با تصمیم قبلی و باعجله رهسپار دفتر سازمان ملل گردیده وی و برادرش ( شاهپور احمد زی ) را که مصروف ورزش در صحن حویلی نمایندگی مذکور بودند ، دستگیر و پس از لفت و کوب و بریدن گوشهای نجیب الله ، هر دو برادر را در عقب موتر جیب بسته و با فجیعانه ترین شکل به قتل رسانیدند . وقتی اجساد آنها را جلو دروازه شرقی ارگ جمهوری با ریسمان آویختند ، علاوه از آنکه آثار و علایم شکنجه در بدن آندو دیده میشد ، در میان انگلستان دست آنها سگرت و در دهن شان دالرامریکایی گذاشته بودند .

( فوتوی جسد نجیب و برادرش )

قتل نجیب الله در عین حالیکه عده ای را خوشنود و برخی را غمگین ساخت ، استنتاجات آتی را نیز در قبال داشت : تحلیگرانی گفتند ، چون افراد جناح " خلق " به سر کردگی شهنواز تنی تحت نظارت ( آی.اس.آی ) پاکستان در اشغال کابل با طالبان مشارکت داشتند ، بنابراین ، با این عمل عاجل از نجیب الله انتقام کشیدند . آگاهان دیگری اظهار کردند که چون نجیب الله آماده شده بود اسرار ( کی. جی. بی ) در افغانستان را در برابر رهایی و امتیازات دیگر ، برای ( سی. آی. آی ) بسپارد و لهذا ، این همان گروپ خاص کی جی بی بود که در کشتن وی با تعجیل عمل کرد . این حدس و

گمان با گذاشتن سگرت و دالر امریکایی به دست و دهن نجیب الله رابطه منطقی چنین حدس و گمان را نزدیکتر میسازد. بعضی ها گفتند که طالبان میخواستند با کشتن سر دمدار بد نام (خاد)، در نخستین مرحله تصرف کابل، وجهه و اعتباری در میان مردم نسبت به رژیم ربانی کسب نمایند.

در هر صورت، قتل آخرین رهبر رژیم کودتای ثور با چنین شتاب و بدون محاکمه و قبل از گرفتن اعتراف و روشن شدن انبوهی از حقایق تلخ مربوط به اشغال کشور، قتل های فراوان، ویرانگریها، زد و بند های سیاسی و دیگر فعل و انفعالات خونین پس از کودتای ثور مخفی نگه داشته شد که لابد اغراض و مقاصد خاص قاتلین را در اذهان تداعی می کند. این نکته را نیز باید یاددهانی نمود که داکتر نجیب الله از همان روزیکه در ماه اپریل ۱۹۹۲م در عمارت نماینده گی سازمان ملل در کابل پناهنده شد تا شبی که فردایش به قتل رسید، (بیشتر از چهار سال) از مصونیت کامل و امتیازات لازم بهره مند بود. ظرف چهار سالی که وی در داخل دفتر مذکور به سر میبرد، مردم بی پناه شهر کابل، بدترین، خونین ترین و دهشت بار ترین شب ها و روز های تاریخ را در تحت حاکمیت دولت اسلامی به رهبری ربانی دیدند، حدود پنجاه هزار نفر زن و مرد و کودک در نتیجه جنگهای خونبار بین التنظيمی و راکت پرانی های جنون آمیز حزب اسلامی جان باختند و شصت فیصد از منازل مردم و عمارات دولتی نا بود گردیدند، ولی یک مرمی تفنگ و یا یک راکت به پناهگاه او اصابت نکرد و اندکترین آسیبی به خودش و همراهانش نرسید. علاوه، ظرف چهار سالی که هزار ها خانواده لب نان خشک برای خوردن نداشتند و غرض صرفا زنده ماندن، فرزندان دلبند شان را در بازار های ثروتمندان عربی و عجمی میفروختند، نجیب الله از انواع غذا و دوا و آرامش و سپورت و... بر خوردار بود. وی به اساس گزارشات رسمی آنزمان، از بهترین فلم های شرقی و غربی، تلفون ستلایت و ملاقات بزرگان رژیم اسلامی ربانی نیز مستفید بود. مثلا، خبر نگار آژانس فرانسیس طی گزارش بیست و دوم ماه می ۱۹۹۶ میلادی خویش که در شماره چهل و چهارم سال ۱۹۹۶م (پیام زن) به نشر رسید، چنین نوشت: "نجیب الله ۴۹ ساله پشت دیوار های بلند کانگریتی و تحت مراقبت پولیس سری مخوف خاد که در گذشته خودش ریاست آنرا داشت به سر میبرد. وضع او از نظر روحی و جسمی خوب است. نجیب الله که یاور، یک وزیرش و اسحق توخی را با خود دارد، فراوان میخواند، بطور منظم ورزش میکند و قرار معلوم نمازش هم قضا نمی شود. گاهی اوقات رهبران مجاهدین به ملاقات او رفته و به تحلیل هایش در باره وضع در افغانستان که گویا از درخشانی و اعتبار بسیاری بر خوردار است، گوش میدهند. آنانیکه به ملاقات وی می روند شامل احمد شاه مسعود قهرمان جنگ ضد شوروی و مرد نیرومند نظامی رژیم برهان الدین ربانی در کابل میباشد."

موازی بدان، اقدامات دیگر طالبان در کابل عبارت بود از بستن درب سینما های شهر. به این دلیل که گویا رفتن به سینما و تماشای فلم از نظر شریعت "حرام" است. آنها ضمن آنکه فلم و ماشین و وسایل سینمایی را نابود کردند، اظهار داشتند که میخواهند همه سینما ها را به مساجد مبدل نمایند. شنیدن موسیقی و نواختن آلات مربوط به ساز و آواز را که از هزاران سال بدینسو در ساحت حکمروایی هر نوع رژیم سیاسی و در تحت نفوذ هر دین و آیین در سر زمین افغانستان استمرار داشته است، ممنوع قرار دادند نوازندگان حرفه پی مناطق تحت حاکمیت طالبان، برای نخستین بار در طول تاریخ موسیقی، آلات دست داشته ای شان را میان تابوت گذارده به زیر خاک پنهان کردند. زنان و دختران اعم از پیر و جوان را نه تنها از کار کردن در دفاتر دولتی و مؤسسات صحتی و خصوصی بر کنار نمودند، بلکه آنها را به نام آنکه "زن صرفا برای خانه خلق شده" چنان در چهار چوب تنگ منازل شان حبس نمودند که حتا شیشه کلکین های خانه را نیز با زور و به خرچ صاحب منزل، بارنگ سیاه پوشانیدند تا به فکر علیل و تعصب آمیز خود شان، کسی به سوی در و دیوار منازل مذکور نگاه نکند و زنان نیز از عقب در و پنجره به طرف مردان نبینند. به

علاوه، اعلام کردند که هیچ داکتر مرد نمیتواند زنان را معالجه نماید، هیچ زن نمیتواند بدون محرم شرعی از خانه به بیرون پا نهد، هیچ زن نمیتواند جوراب با کفش کبری بلند بپوشد و هیچ تکسی ران نمیتواند زن را از جایی به جایی انتقال دهد. طالبان، گذاشتن ریش، آنهم ریش دراز و انبوه مردان را حتمی و اجباری اعلام نموده با "متخلفین" بسیار سخت گرفتند، حتی سختگیری و بی حرمتی به انسان را تا بدانجا رسانیدند که تراشیدن موی "زیر ناف" مردان را هم جبری اعلام کرده و در همه جا به تفتیش آن میپرداختند. استادان معارف و به ویژه، استادان پوهنتون کابل را مجبور ساختند ریش بگذارند، دستار به سر نمایند و پیرهن و تنبان به تن و چپلی به پا به صنوف حاضر شوند. تعداد زیادی از استادان پوهنتون کابل را به بهانه های "نداشتن ریش بلند"، "نپوشیدن پیرهن و تنبان" و "... " اخراج نمودند.

( فوتوی طالب هنگام قطع کردن موی یکی از جوانان شهر کابل )

خبرگزاری (رویتر) به تاریخ ۳۰ ماه سپتامبر ۱۹۹۶ میلادی، یعنی چهار روز پس از ورود طالبان به کابل گزارش داد که "چهار زن افغان در کابل به روز یکشنبه به دلیل عدم پیروی از قوانین البسه در محضر عام در شهر کابل با زنجیر مورد لت و کوب قرار گرفتند." خبرنگار دیگر (رویتر) به نام (السترلیون) دو روز قبل از آن (۲۸ ماه سپتامبر)، از کابل گزارش داد که یکی از ملاهای طالبان به نام (ملا آغاگلایی) بیانیه ای از طریق رادیو کابل پخش کرده و طی آن گفته که "زناکاران باید سنگسار و شرابخواران باید کشته شوند."

روزنامه "لبراسیون" چاپ پاریس در شماره ی (۲۱) ماه می ۱۹۹۷ میلادی خویش گزارش نموده اش (پی یرپیرن) را به چاپ رسا نیده است که اینک، بخشی از آن را در اینجا نقل میکنیم: "طالبان لنگی و دستار مردم را بر میدارند تا در یابند که موی خود را کوتاه کرده اند، ریش های مردم را نیز توسط یک پارچه ابریشم اندازه میکنند و آن پارچه را به روی ریش میلغزانند که آیا آن شخص موی ریش خود را قیچی و اصلاح نموده است یا نه؟ همچنان مردم را میگویند کرتی و جمپر خود را بکشند تا معلوم شود که آیا موی زیر بغل خود را تراشیده اند و یا نه؟ و همچنان واقع می شود که داخل تنبان مردم را جست و جو میکنند تا معلوم شود موی زیر ناف ایشان تراشیده شده است و یا نه؟" و اینک، اعلامیه ای که از طریق رادیو به نام "شریعت ژغ" عنوانی اهالی کابل پخش شده است:

"۱- همه مردان باید ریش اجباری بگذارند و حق ندارند آنرا اصلاح کنند و تا اندازه ای که امکان دارد باید ریش دراز گذاشته شود. سلمانی ها حق ندارند ریش مردان را اصلاح نمایند و در صورتیکه ثابت شود که فلان سلمانی ریش مردی را اصلاح و یا تراش کرده است مورد مجازات قرار میگیرد.

۲- مردان حق ندارند بدون کلاه و یا عمامه از خانه های خود بیرون بیایند و همچنان آنها حق ندارند از لباسهای اروپایی استفاده کنند زیرا لباس اروپایی غیر اسلامی است.

۳- ورزشکاران هنگام تمرین و یا مسابقه نباید لباسی بتن داشته باشند که قسمت هایی از وجود آنها را نپوشاند. ورزشکاران نمیتوانند از نیکر سپورتنی استفاده کنند.

۴- زنان حق کار و تحصیل را ندارند.

۵- زنان حق پوشیدن لباس های رنگ روشن را که جلب توجه کند ندارند.

۶- زنان حق گشت و گذار در بازار ها جهت خریداری اشیای مورد ضرورت خویش را ندارند الا اینکه با برادر و یا شوهر خویش باشند و برادر یا شوهر شواهد دال بر محرم بودن را باخود داشته باشد.

۷- صاحبان مغازه ها حق ندارند به زنانی که تنها مراجعه میکنند جنسی به فروش برسانند و در صورتیکه ازین حکم سرکشی کنند مورد مجازات قرار می گیرند.

۸- زنان حق پوشیدن شلوار رنگ سفید را ندارند.

۹ - زنان حق پوشیدن پاپوش های با کری (پاشنه) بلند را ندارند زیرا صدای پاپوش های زن مردان را تحریک میکند.  
۱۰ - زنان حق مراجعه به شفاخانه حتی زایشگاه را بدون همراهی محرم خویش ندارند.  
۱۱ - شیشه کلکین ها باید سیاه رنگ شود تا زنان از درون خانه های شان به مردانی که در کوچه گذر می کنند دیده نتوانند .

۱۲ - داشتن تصویر ، ساختن تصویر ، نصب تصویر اعم از حیوان و انسان یک عمل غیر اسلامی است و در صورتیکه شخصی این احکام و احکام دیگر ذکر شده را مدنظر نگیرند مجازات میشوند.  
۱۳ - طفلان حق بازی کردن با اسبابی را که شباهت به اجسام زنده داشته باشد ندارند.  
۱۴ - دارندگان وسایط نقلیه نمیتوانند که ظاهر وسایط خود را با تصاویر و یا منظره تزیین نمایند.  
۱۵ - رانندگان تکسی ها باید آیینی عقب نما را از موتر های خود دور کنند تا زنانی را که در سیت های عقبی می نشینند نبینند . "

این تازه به دولت رسیدگان متحجر، کار را بر خلق خدا چنان دشوار ساختند که هرکسی را از کوچه و بازار اعم از سوار و پیاده با زور برچه و شلاق و بدون پذیرش هر نوع معذرت به سوی مساجد می کشانیدند. علاوه بر آن ، خلاف تعامل چهارده قرنه نظام اسلام ، از اسمای نماز گزاران در هرکوچه و گذر لیستی تهیه نموده قید کتاب حاضری کردند تا امام مسجد در موقع ادای هر نماز از حضور یا غیابت نماز گزاران مطلع گردیده غایبین را به اداره " امر بالمعروف و نهی عن المنکر " غرض مجازات معرفی نماید. ( فوتوی طالب بچه در موقع کشاندن نفر به سوی مسجد )  
بعضی از خبرنگاران خارجی یا داخلی در روز های نخست میتوانستند عکس ، فلم و گزارش تهیه نموده به خارج بفرستند ، اما وقتی تهیه ی این اسناد ، موجودیت هزاران تن از افراد خارجی ، به ویژه، زبان و قیافه های عربها و پاکستانیها را نزد مردم افشا نمود، برداشتن عکس و فلم را به نام اینکه " خلاف شریعت " است ، قدغن نمودند و ژورنالیستها را از مناطق اشغال شده اخراج کردند. احمد رشید نویسنده و ژورنالیست مشهور پاکستان طی مصاحبه ای با بی بی سی گفت : " من دو روز قبل از کابل برگشتم . در آنجا هزاران پاکستانی را دیدم که در آن شهر جمع شده اند و با تعدادی از آنها حین گشت و گذار در بازار های کابل ملاقات کردم که میگفتند تازه از کشمیر برگشته اند" همچنان ، گزارشاتی که از منابع " جبهه متحد اسلامی و ملی نجات افغانستان " به اداره هفته نامه " امید " رسیده و در شماره ( ) سال هفته نامه ی مذکور چاپ شده است ، چنین میگوید : " . . . مسوولین شفر مخابره طالبان در ارگ کابل شش نفر پاکستانی مربوط آس آی تحت پوشش حرکت المجاهدین کشمیری میباشد که دو نفر اول این گروه به نام های مفتی عبید الله انور و انجنیر کهربایی میباشد . یک هفته قبل به تعداد یکهزار و یکصد نفر مربوط فوج پاکستان از طریق راه وانه اعظم و رسک تحت نام قوم اتمانزی وارد میدان شهر و کابل شدند. تعداد ۲۴ نفر افسران مسلکی توپچی ، مخابره ، تانک و استخبارات مربوط به ارگانهای فوج و آس آی بوده که به تاریخ ۲۶ سنبله ۱۳۷۶ هجری شمسی از طریق راه تورخم وارد جلال آباد و از آنجا به کابل انتقال [داده] شدند. اسمای نزده نفر شان که تاحال معلوم شده قرار ذیل است : غلام محمد ولد محمد حسین پنجابی، شوکت علی ولد مختار احمد، حبیب الله ولد احمدالله، محمد حنیف ولد عبدالله ، میامحمد حسن ولد میاخواجه ذکی، بشیر احمد ولد شیر احمد ، محمد الله ولد صدرا، سجاد علی ولد عبدالعزیز ، عامرخان ولد غلام مصطفی، مقبول احمد ولی حاجی عبدالله ، عبدالقیوم ولد امیر محمد ، آفتاب احمد ولد عبداللطیف ، نذیر احمد ولد الله بخش، الطاف حسین ولد عبدی خان ، ناصر محمود ولد رحمت خان ، لیاقت علی ولد برکت علی ، شاه محمود ولد عطا الله ، احمد فضل ولد فیروزالدین و نصرالله ولد خالد اعجاز. " در گزارش مذکور همچنان آمده است : " یک قرارگاه نمایندگی فوج پاکستان در کابل در سرک ۱۵ کوچه سوم وزیر اکبر

خان موقعیت دارد که مسؤول این نمایندگی شخصی به نام قاری سیف الله اختر میباشد که تحت پوشش دفتر حرکت المجاهدین فعالیت مینماید. . . به تاریخ ۲۱ سنبله یک قطار مهمات پاکستانی ها وارد کابل شد. به همین روز پنجهازار لیتر تیل تی سی. یک نیز از طریق تورخم به جلال آباد و کابل منتقل شد. .

در این گزارش جالب همچنان آمده: "مسؤولین فوجی و آی اس آی پاکستان در خطوط شمال کابل عبارت اند از: بریگید امتیاز احمد از سیالکوت، کرنیل حلیم شاه از بستی مکوک ملتان، کرنیل ثنا الله از صوات، میجر اکبر علی از شجاع آباد، میجر علی حیدر از پشاور، میجر ارسلان از سفید دھیری، بریگید کفایت از کلی مروت، کرنیل سجاد از بته کرام، کرنیل طفیل از سیالکوت، میجر خانزاده از کوهات، میجر اعزاز الله از نوشهر، کپتان ظفر الحق از پندی، کپتان بها الدین از پنجاب، کپتان شکیل از پنجاب و کپتان مختار از پنجاب. . . دو نفر دیگر عبارت اند از میجر قیصر کمال از بهاولپور قوماندان توپچی در شمالی و لفتننت رشید مروت از کرک بنوم قوماندان توپچی که هفته گذشته در کابل کشته شدند.

روزنامه "شهادت" ارگان نشراتی حزب اسلامی گلبدین در شماره مورخ ۲۴ ماه فیروزی ۱۹۹۷م خویش مصاحبه ای (مفتی محمد معصوم افغانی) سفیر طالبان در اسلام آباد را که با روزنامه "نوای وقت" انجام داده، چنین به چاپ رسانید: "ما برای تجار پاکستانی سهولت های فراوانی فراهم ساخته ایم تا در افغانستان سرمایه گذاری و تجارت نمایند. . . طالبان طبق برنامه شان تا تاریخ ۳۰ اپریل همه نیرو های مخالف را محو می نماید. صرف دو ماه وقت دیگر ضرورت است، بعد از آن طالبان به تنهایی بر سراسر افغانستان حکومت خواهند کرد. ما در مواقع مختلف عفو عمومی اعلان کردیم تا نیرو های مخالف با استفاده از آن به طالبان بپیوندند اما پس از تاریخ ۳۰ اپریل احدی از نیرو های مخالف زنده باقی نخواهد ماند. . . کسی که دشمن پاکستان است دوست ما نیست. رییس جمهور سابق استاد ربانی با برقراری روابط و دوستی باهند نه تنها با مردم پاکستان بلکه با مردم ما نیز خیانت کرده بود. . . در پالیسی طالبان حفظ منافع پاکستان از حق اولیت بر خوردار است."

طالبان حتا به کودکان معصوم افغان نیز رحم نکردند. مثلا، در حالیکه برای کودکان وطن مانند بزرگان شان وسیله ای به منظور سرگرمی و تفریح باقی نمانده بود، طالبان اعلام کردند که اطفال نباید از بازیچه های کودکانه استفاده نمایند. زیرا "بازیچه در اسلام حرام است." به دکانداران دستور دادند تا از فروش قطی های شیر خشک که عکس طفل بر روی آن منقوش شده باشد، خودداری ورزند. خنده آورتر از همه اینکه طالبان به مالکان حیوانات چهار پا مانند اسب و مرکب دستور صادر کردند تا قسمت سفالی بدن حیوانات شان را غرض "رعایت ستر عورت" بیوشانند. این، تنها نبود. طالبان همینکه کابل را اشغال کردند، دست به تفتیش منازل اهالی شهر غرض دستگیری طرفداران (مسعود - ربانی) و جمع آوری سلاح زدند. آنها به همین شیوه ها تعداد زیاد هزاره و تاجیک و پنجشیری و ترکمن و . . . را دستگیر و به زندان ها انتقال دادند. ضمنا آنها رادیو، تلویزیون، تیپ ریکاردر، کست (نوار) ویدیویی، فینه های ثبت شده ی موسیقی، عکسهای یادگاری و تاریخی، کتاب و آثار چاپی و قلمی و اشیا زینتی و قیمتی مردم را به نام اشیا ی "حرام" یا "غیر قانونی" ضبط و مصادره مینمودند. این تفتیش ها و دست درازیها آنقدر اوج گرفت که عاقبت ملا ربانی رییس "شورای سرپرست" طالبان در کابل، طی نامه رسمی عنوانی وزارت "امر بالمعروف و نهی عن المنکر" اضافه روی های افراد آن وزارت را یاد آوری نمود. نامه رسمی اصلا به زبان پشتو نگاشته شده است که در اینجا اصل نامه و ترجمه آن درج میشود:

(کاپی اصل نامه)

ادامه دارد

